

سرمقاله

اجماع منطقه ای چگونه شکل خواهد گرفت؟

حفیظ الله زکی

رییس جمهور در این اواخر تأکید می کند که جنگ افغانستان تعمیلی است و این جنگ از سوی کشورهای خارجی بر افغانستان تحمیل شده است. این در حالی است که آمریکا سه سال قبل گفته بود که اکنون شبکه القاعده در افغانستان نابود شده و جنگی که در این کشور جریان دارد، یک شورش داخلی است و آمریکا مسؤولیت نداره که در این جنگ دخالت کند.

اسطلاح برادران ناراضی و مخالفان مسلح دولت نیز به گونه ای بر داخلی بودن جنگ افغانستان اشاره داشتند. رییس جمهور فعلی نیز در آغاز حکومتش از هراس افگنان به نام مخالفان سیاسی یاد کرده بود که با واکنش منفی مردم، کارشناسان و اصحاب رسانه ها مواجه شد.

از پس از چند ماه چه چیزی تغییر کرده است که رییس جمهور جنگ افغانستان را یک جنگ تحمیل شده از سوی کشورهای خارجی می داند؟ پاسخ به این پرسش از آن جهت مهم است که راهکارها و رهیافت های مقابله با چنجگویمان از منظرهای متفاوت فرق خواهد کرد. اگر جنگ داخلی باشد، برای خاتمه دادن به آن باید بیشتر بر راهکارهای داخلی تکیه شود. ولی اگر جنگ خارجی باشد، در آن صورت رهیافت های داخلی ممکن است زیاد مؤثر و پاسخگو نباشد و باید به ابزارهای دیپلماسی تمسک جست و روی یک اجماع منطقه ای و بین المللی فکر کرد.

امروز رییس جمهور بر اساس تئوری دوم روی اجماع منطقه ای تأکید می کند و بدون شکل گیری چنین اجماعی، خاتمه دادن به جنگ را ناممکن می پندارد. رییس جمهور می گوید که امنیت و ثبات در افغانستان به نفع کل منطقه است و از بی ثباتی افغانستان تمام منطقه آسیب می بیند، لذا لازم است که تمام کشورهای منطقه برای ایجاد ثبات در افغانستان همکاری کنند.

متأسفانه نگاه حکومت افغانستان نسبت به جنگ، ناامنی و بی ثباتی یک نگاه ثابت و مبتنی بر منطق و رویکردهای عقلانی نیست. مقامات حکومتی همواره موضع گیری های متفاوت و متناقض در ارتباط با گروه های افراطی در افغانستان داشته است. این نگاه از کاربرد واژه تروریستان، دهشت افگنان، عوامل و مزدوران بیگانه گرفته تا برادران ناراضی حکومت در نوسان بوده است. ناراضیانی که حقوق آنها از سوی حکومت و یا مردم نادیده گرفته شده و آنها را مجبور ساخته، تا دست به مخالفت بزنند. از اینسو راهکاری که برای جذب دوباره این نیروها مطرح می شود، برخورداری آنها از امتیازات سادی و معنوی است، حتا برخی مقامات بلند رتبه دولتی مسأله عنبر خواهی حکومت از مخالفان مسلح دولت را نیز ضروری پنداشته است.

پس باید کدام رویکردها را به عنوان سیاست رسمی دولت در قبال هراس افگنان پذیرفت. آیا شورشیان و مخالفان مسلح دولت کسانی اند که در اثر ظلم و یا غفلت و اجحاف مسؤولان حکومتی و مردم افغانستان به جنگ روی آورده اند. آیا این حکومت و مردم بوده اند که آنها را به جنگ وا داشته اند؟

پس شورشیان همان گروه های افراطی هستند که با هدایت کشورهای خارجی به وجود آمده و به صورت سازمان یافته وارد کارزار جنگ و سیاست افغانستان گردیده و در راستای اهداف دشمنان مردم عمل کرده و با تروریستان بیسن المللی همکاری مداوم داشته اند؟

لذا دولت ناچار است که در ابتدا موضع خود را در قبال شورشیان داخلی اعم از طالبان، داعش و شبکه حقانی و... مشخص سازد و در مرحله دوم راهکار مبارزه با هراس افگنی را تدوین کرده و روشن سازد که در برابر این شورشیان چگونه باید عمل کرد. در سال های گذشته گفته می شد که نیروهای امنیتی در میدان جنگ با مخالفان با محدودیت هایی مواجه بوده است. عملیات شبانه و عملیات ثقیله و توغیغانه ای در بسیاری از مناطق ممنوع بوده است. اما امروز برخی از مقامات امنیتی به نیروهای امنیتی اجازه داده اند که از هر نوع تاکتیک و امکاناتی که می توانند در برابر دشمن استفاده نمایند. با این گونه سردرگمی و افراط و تفریط نمی توان به اجماع منطقه ای دلایست. اجماع منطقه ای تنها در سایه راهبردهای روشن، سریع و جامع امکان پذیر می گردد.

مکانیسم تغییر جایگاه زنان

عبدالرحمن فهیمی

اشرف غنی رییس جمهور کشور، روز گذشته در مراسم رونمایی عمل دولت، در مورد قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر توانمندسازی زن ها در عرصه صلح و امنیت، در جمع از زنان فعال سخن می زد. آقای غنی، از تفکر زن ستیزی در جامعه سخن زده و نوک تیز انتقادش بیشتر متوجه نسل نو بود. او گفت که تفکر زن ستیزی در میان نسل نو حاکم است و برخی از افسراد تحصیل کرده به گونه ای افراطی زن ستیز هستند. جالب این است که رییس جمهور از مجموعه های مختلف از جمله علمای دینی درخواست همکاری می کند. پرسش جدی این است که آیا علمای دینی زن ستیز نیستند؟ آیا آن ها تفکر نادرست در مورد زن ها را در روح و روان مردم تزریق نکرده اند؟ و آیا آن ها حاضر به همکاری با روندی خواهند شد که در تضاد با باورهای اجتماعی - دینی شان است؟

آقای غنی معرفی یک زن به عنوان عضو دادگاه عالی و دو زن به عنوان والی را به عنوان یک افتخار برای اش مطرح کرد و گفت تلاش می کند تا همه، زبان مشترک جهت محو تفکر زن ستیزی بیابند. به نظر می رسد که دولت در مجموع، چه حکومت گذشته و چه حکومت کنونی، تلاش می کند تغییر را از بالا به پایین اعمال کند. این روش را در آغاز، قانون اساسی نیز روی دست گرفته و فیصدی های را برای زنان در همه جا به ویژه در ترکیب شورای ملی و شوراهای ولایتی مطرح کرده است. از این رو، قابل شدن تبعیض مثبت برای زنان - حضور در شورای ملی و شوراهای ولایتی، معرفی آن ها به عنوان اعضای حکومت و دادگاه عالی، تاسیس بخش تساوی جنسیتی در وزارت خانه ها و معرفی شان به عنوان والی حکایت گسر رویکرد تغییر وضعیت از بالا به سمت پایین است. اما به نظر می رسد که رویکرد تغییر وضعیت از بالا به پایین به گونه ای که به نفع زنان باشد، مکانیسم مطمئن نبوده و نمی تواند ما را به هدف بنیادین که همانا محو

تفکر زن ستیزی است، برساند. ما در صدد دست یازیدن به وضعیت مطلوب هستیم که جامعه، زن و مرد را مساوی و دارای حقوق و وجایب یک سان فرض کرده و در برابر حضور و نقش آفرینی این قشر بزرگ جامعه هیچ گونه حساسیت نشان ندهد. به نظر این نوشته، راهکار و مکانیسم درست تر تغییر وضعیت به نفع زنان، نوسازی فرهنگی - روانی جامعه یا به تعبیر آشناتر تغییر وضعیت از پایین به بالا است. نوسازی روانی است که در سطح فرد مطرح است، اشاره به نوع تحریک روانی و ذهنی دارد که در طی آن افراد ویژگی های روانی، ارزشی، انگیزشی و اعتقادی تازه ای را کسب می کند (ازکیا، مصطفی و غلام رضا غفاری، ۱۳۹۰). با درونی کردن این باورها و ایستارها، زمینه ای تغییر باورهای سنتی و دست و پاگیر از جمله باورهای زن ستیزانه فراهم می گردد و افراد با باورها و ارزش های جدید با دست کم ارزش های قدیم اما بازخوانی شده و ویرایش شده آماده پذیرش جامعه جدید می شوند.

نوسازی روانی - فرهنگی برنامه ریزی های کلان می طلبد. جهت نوسازی روانی و فرهنگی که تغییر باورهای سنتی و افراطی افراد و در نهایت دگرگونی فرهنگی جامعه را در پی داشته باشد، با تبلیغات چندی در رسانه ها و نصب کردن بروشورهای تبلیغی و نیز سخنرانی های سیاسی صورت نمی گیرد، بلکه برنامه ریزی کلان را در همه عرصه ها به ویژه در عرصه آموزشی می طلبد. دولت باید، تغییر وضعیت اجتماعی و نسخ شدن باورها، ارزش ها، نگرش ها و ایستارهای سنتی و افراطی از جمله زن ستیزی را در برنامه های آموزشی وزارت معارف و وزارت تحصیلات عالی بگنجانند. کودکان و نوجوان در دوره مکتب و جوان در دوره دانشگاه، باید درک کنند که زن و مرد دو روی یک سکه هستند، زن هیچ گونه کاستی ندارد و باید مانند مرد به عنوان یک انسان از حقوق و وجایب مساوی برخوردار باشد. این باور را ما باید در همان



تغییر باورها، ایستارها، نگرش ها، نگاه ها و عقاید حس می گردد. اساسا بایستی نوع نگاه نسبت به زن تغییر یابد. حضور و نقش اساسی و بنیادین زن در محیط خانواده و در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و متخصص شده است، اما در مورد مسایل متلاشه جامعه، چالش ها و نا بساماتی ها تا آگاه هستند.

دانشکده شرعیات نیز فضای محدود و بسته ای دارد. اصلا نصاب درسی این دانشکده دانشجویان را طوری به بار می آورد که انگار در یک دنیای دیگر بزرگ شده اند و در یک قرن دیگر زندگی می نمایند. خیلی موارد اتفاق افتاده که دانشجویان دانشکده شرعیات، برخلاف نظام سیاسی شعار داده و حرف های کاملا متضاد با روح نظام را مطرح کرده اند و حتی فحش های داده اند.

بنابراین، جهت نهادینه کردن حضور و نقش زنان در زندگی خانواده و جامعه و محو تفکر زن ستیزی، باید به نوسازی فرهنگی دست زد. در این صورت، ضرورت

با این وجود آن را از طریق خون ریزی بدست می آورند. با این حال ماموریت آنها جلوگیری از خونریزی است. (Augustine, Ibid, CLXXXIX ۷-۸)

با این وجود آن را از طریق خون ریزی بدست می آورند. با این حال ماموریت آنها جلوگیری از خونریزی است. (Augustine, Ibid, CLXXXIX ۷-۸)

در نگاه او هنر اصلی فضیلت، عدالت است و عدالت به عنوان یک فضیلت مدتی گاهی از طریق جنگ عادلانه بدست می آید. او بیان می کند که انسانها تنها با اجرای عدالت آنهم در صورتیکه اجرای عدالت را از طریق خداوند درک کرده باشند بدان دست می یابند. وی قانون طبیعی را به عنوان قانون حاکم که خداوند نویسنده آنست تعریف کرد و بیان کرد که انسان با لطف الهی خداوند آزادانه به درک آن می رسد. در ریافت این قانون اساسی برای تدوین قانون زمانی توسط حاکم عادل مشترک

در این نوشته خانواده مرد صلح طلب هستند ولی او با استفاده از خشم و زور یک توافق مسوری را در میان اعضای خانواده اش ایجاد کرده است. او این صلح را به صلح مشترک المنافع زمینی تعبیر می کند. جنگ هم در خانواده و هم مشترک المنافع به خاطر صلح است. او اینگونه حرکات مشابه در مورد جنگ را به خاطر حفظ مشترک المنافع در نامه ای به صاحب مهمانخانه ای اینگونه می نویسد: (( شما باید به صلح به عنوان هدفت انتخاب و جنگ خود را تنها به عنوان ابزار لازم و ضروری آن بدانید. بطوری که خداوند صلح را برای شما لازم و حفظ آن را ممکن می داند برای حفظ صلح جنگ به دنبال تحریک ممکن است روی دهد اما جنگ ممکن است زمانی روی دهد که صلح

جنگ عادلانه در فلسفه سیاسی سنت آگوستین

سید صادق حقیقت / قسمت هشتم و پایانی

عدالت و قانون است. وزماتی که دشمن خارجی یا داخلی خواستار بر هم زدن عدالت و یا سرپیچی از عدالت بوده و یا قوانین اخلاقی را زیر پا می گذارند حاکم وظیفه دارد که از این جامعه محافظت کند و با اعلان جنگ این عمل صورت می گیرد.

هدف مشترک المنافع رفاه معنوی شهروندان است که لازم است به وسیله جنگ عادلانه بدست آید. وی در نهایت مجازات کسانی که حاضر به اعمال عدالت و برپایی قوانین طبیعی و مذهبی است نمی باشند را مانند پدری که با هشتی که به فرزندش دارد برای اصلاح

با این وجود آن را از طریق خون ریزی بدست می آورند. با این حال ماموریت آنها جلوگیری از خونریزی است. (Augustine, Ibid, CLXXXIX ۷-۸)

با این وجود آن را از طریق خون ریزی بدست می آورند. با این حال ماموریت آنها جلوگیری از خونریزی است. (Augustine, Ibid, CLXXXIX ۷-۸)

در نگاه او هنر اصلی فضیلت، عدالت است و عدالت به عنوان یک فضیلت مدتی گاهی از طریق جنگ عادلانه بدست می آید. او بیان می کند که انسانها تنها با اجرای عدالت آنهم در صورتیکه اجرای عدالت را از طریق خداوند درک کرده باشند بدان دست می یابند. وی قانون طبیعی را به عنوان قانون حاکم که خداوند نویسنده آنست تعریف کرد و بیان کرد که انسان با لطف الهی خداوند آزادانه به درک آن می رسد. در ریافت این قانون اساسی برای تدوین قانون زمانی توسط حاکم عادل مشترک

در نگاه او هنر اصلی فضیلت، عدالت است و عدالت به عنوان یک فضیلت مدتی گاهی از طریق جنگ عادلانه بدست می آید. او بیان می کند که انسانها تنها با اجرای عدالت آنهم در صورتیکه اجرای عدالت را از طریق خداوند درک کرده باشند بدان دست می یابند. وی قانون طبیعی را به عنوان قانون حاکم که خداوند نویسنده آنست تعریف کرد و بیان کرد که انسان با لطف الهی خداوند آزادانه به درک آن می رسد. در ریافت این قانون اساسی برای تدوین قانون زمانی توسط حاکم عادل مشترک

با این وجود آن را از طریق خون ریزی بدست می آورند. با این حال ماموریت آنها جلوگیری از خونریزی است. (Augustine, Ibid, CLXXXIX ۷-۸)

با این وجود آن را از طریق خون ریزی بدست می آورند. با این حال ماموریت آنها جلوگیری از خونریزی است. (Augustine, Ibid, CLXXXIX ۷-۸)

با این وجود آن را از طریق خون ریزی بدست می آورند. با این حال ماموریت آنها جلوگیری از خونریزی است. (Augustine, Ibid, CLXXXIX ۷-۸)

با این وجود آن را از طریق خون ریزی بدست می آورند. با این حال ماموریت آنها جلوگیری از خونریزی است. (Augustine, Ibid, CLXXXIX ۷-۸)



او را و تنبیه می کند. مجازات را روا می داند. در نهایت آگوستین با تأکید بر چارچوب نظریه جنگ عادلانه سبب آن را مطابق با چشم انداز مسیحی خود و با تمرکز و نیاز به لطف الهی تدوین کرد و برای برپائی صلح و ایجاد عدالت در جامعه شروع جنگ عادلانه را ضروری دانست. در پایان بیان این نکته لازم است که آگوستین یک شخصیت انتقالی در تاریخ فلسفه سیاسی است، ولی اندیشه های او ریشه های عمیقی در گذشته اندیشه کلاسیک دارد که پیوند قرابت او به گذشته کلاسیک را نشان می دهد. .... پایان

در نگاه او هنر اصلی فضیلت، عدالت است و عدالت به عنوان یک فضیلت مدتی گاهی از طریق جنگ عادلانه بدست می آید. او بیان می کند که انسانها تنها با اجرای عدالت آنهم در صورتیکه اجرای عدالت را از طریق خداوند درک کرده باشند بدان دست می یابند. وی قانون طبیعی را به عنوان قانون حاکم که خداوند نویسنده آنست تعریف کرد و بیان کرد که انسان با لطف الهی خداوند آزادانه به درک آن می رسد. در ریافت این قانون اساسی برای تدوین قانون زمانی توسط حاکم عادل مشترک

در نگاه او هنر اصلی فضیلت، عدالت است و عدالت به عنوان یک فضیلت مدتی گاهی از طریق جنگ عادلانه بدست می آید. او بیان می کند که انسانها تنها با اجرای عدالت آنهم در صورتیکه اجرای عدالت را از طریق خداوند درک کرده باشند بدان دست می یابند. وی قانون طبیعی را به عنوان قانون حاکم که خداوند نویسنده آنست تعریف کرد و بیان کرد که انسان با لطف الهی خداوند آزادانه به درک آن می رسد. در ریافت این قانون اساسی برای تدوین قانون زمانی توسط حاکم عادل مشترک

در نگاه او هنر اصلی فضیلت، عدالت است و عدالت به عنوان یک فضیلت مدتی گاهی از طریق جنگ عادلانه بدست می آید. او بیان می کند که انسانها تنها با اجرای عدالت آنهم در صورتیکه اجرای عدالت را از طریق خداوند درک کرده باشند بدان دست می یابند. وی قانون طبیعی را به عنوان قانون حاکم که خداوند نویسنده آنست تعریف کرد و بیان کرد که انسان با لطف الهی خداوند آزادانه به درک آن می رسد. در ریافت این قانون اساسی برای تدوین قانون زمانی توسط حاکم عادل مشترک

در نگاه او هنر اصلی فضیلت، عدالت است و عدالت به عنوان یک فضیلت مدتی گاهی از طریق جنگ عادلانه بدست می آید. او بیان می کند که انسانها تنها با اجرای عدالت آنهم در صورتیکه اجرای عدالت را از طریق خداوند درک کرده باشند بدان دست می یابند. وی قانون طبیعی را به عنوان قانون حاکم که خداوند نویسنده آنست تعریف کرد و بیان کرد که انسان با لطف الهی خداوند آزادانه به درک آن می رسد. در ریافت این قانون اساسی برای تدوین قانون زمانی توسط حاکم عادل مشترک



Footer containing contact information for The Daily Afghanistan, including phone numbers, email addresses, and social media links. It also features the Outlook Afghanistan logo and a list of staff members.